

درباره روانشناسی خلق ادبی* . توماس مان ترجمه محمود حسینی زاد

۷۷

۱. اولین الهام

«الهام» به معنی «دریافت یکباره» برایم ناآشناست. کارهایم از آن دست نیست که براساس الهام نوشته شوند، به عوامل بسیاری بستگی دارند؛ در واقع الهام فقط این باور است که به هر حال در موقعیتی خودش می آید. وضعیت تمرکز، وضعیت آرامش جسمی روحی است، سلامت دیدن و شنیدن. وقتی در این وضعیت قرار دارم از انبار ذخیره درونم چیزی دلگرم کننده و مسرت بخش بیرون می آید و به من این باور را می دهد که اگر درست به کارش بپردازم، چیز جالب توجهی خواهد شد. اما علی القاعده آن طرح و چهارچوب بسیار خرد و ناچیز است و من با این تصور دست به کار می شوم که کار سریع و ساده اجرا می شود.

۲. اولین ایده خود را چگونه ثبت می کنید؟

چیزی برای ثبت نیست. دفتر یادداشت ندارم، اما در عوض کاری را که باید انجام بدهم مرکز و کانون تمام حواس و دقتم می شود و از آن به بعد هر چه در زندگی تجربی ام اتفاق می افتد با آن کار پیوند زده می شود، حداقل سعی ام را می کنم: نه فقط تجربیات زمان حال، بلکه تجربیات گذشته و عادت شده؛ آن اثر، کم حجم یا پر حجم،



کاتیا و توماس مان همراه مارکس
برود، چهاردهم مارس ۱۹۳۲ در پراگ.

گفتگونی بی‌اسباب مسرت است. توصیف‌ها وقت‌گیر است؛ از نظر نویسنده‌گی دشوارترین مرحله پرداختن به تجربه‌ها و اخلاقیات است. ولی به هر حال میانگین معمول یک‌تایک صفحه‌ونیم است.

۳. زمان کار پیش از ظهرها کار می‌کنم، حدوداً از ۹ تا ۱۲ یا ۱۲:۵ هر روز، به ندرت استثناء پیش می‌آید، اجبار نیست. عادت است و آنهم ضروری؛ اگر بخوام چیزی بوجود آورم، نمی‌توانم به خودم خیلی استراحت بدهم. علاوه بر این در این مورد باید در هم تجربه‌ام:

L'inspiration est sans doute la sœur du travail Journalier

۴. مواد کار

به کاغذ سفید و کاملاً صاف احتیاج دارم، جوهر و یک قلم نو و سبک. موانع بیرونی باعث سرزدن موانع درونی می‌شوند. برای این که در هم برهم ننویسم، یک کاغذ خط‌دار زیر کاغذها می‌گذارم. باید به خوانا بودن نوشته‌ها دقت کنم، چون فقط مقاله‌هایی را که برای روزنامه‌ها می‌نویسم، می‌دهم و نویسی کنند، کتاب‌ها را به صورت همان اولین دست‌نوشته می‌دهم برای چاپ.

همه‌جا می‌توانم کار کنم، فقط باید سقفی بالای سرم باشد. آسمان بالای سرم برای رویاپردازی و نوشتن طرح خوب است؛ کار دقیق نیاز به پناه سقف اتاقی دارد.

۵. بهداشت کار

از آنجا که نقطه ضعف روانشناختی من که منشاء همه چیز است، معده نام‌دارد نباید وقتی کار می‌کنم خیلی بخورم، ولی می‌خورم چون کمبود «اصول بهداشتی» دارم، بهتر بگویم، کمبود «اصل خردمندی». قهوه بعد از غذا سم است (تصمیم دارم دیگر واقعاً سراغش نروم)؛ کار که می‌کنم، سیگار می‌کشم.

۶. کارهایتان را چرکنویس می‌کنید؟

مقدمه کارهای بزرگ معمولاً یک دوره آماده سازی های نوشتاری است. طرح های کوچک و بررسی های مختصر، انگیزه ها و دیدگاه های روانشناسانه، فهرست موضوع ها، استخراج مطالبی از کتابها و نامه ها و از این دست یادداشت ها که با خط کشی های مورب روی کاغذ از هم جدا شده اند. این یادداشت ها طی کار بیشتر می شوند و به صورت منظم و دسته شده کنار دستم هستند. هنگام نوشتن بودنبروک ها و کوه جادو این یادداشت ها بسیار زیاد بود و در کاری که الان به آن مشغولم هم همینطور.

۷۹

این دستنویس های یک مصرف دیگر هم دارد، می توانم برنامه ای را که طی اجرا مجبور به قطع آن شده ام، برای سالهای بعد ذخیره کنم.
۷. روند شکل گیری نسخه اولیه

سرعت کار متفاوت است. مطالبی که در فکر آماده شده است، سریعتر روی کاغذ می آید. خیلی وقت ها هم اگر چیزی اشتباه آماده شده باشد، باعث دشواری است. گفتگو نویسی اسباب مسرت است، توصیف ها وقت گیر است؛ از نظر نویسندگی دشوارترین مرحله پرداختن به تجربه ها و اخلاقیات است. ولی به هر حال میانگین معمول یک تایک صفحه و نیم است. هنوز هم نمی دانم این میزان کم است یا کافی، ولی با همین کنار آمده ام. همانطور که گفتم نسخه اولیه با توجه به این که باید برای چاپ آماده باشد، شکل می گیرد؛ بنابراین باید در کمال دقت و وضوح اصلاحات انجام شود. اگر اصلاحات زیاد باشد، آن صفحه ها دوباره نویسی می شود. معمولاً روز بعد، قبل از ادامه نوشتن، مطالب روز گذشته را اصلاح می کنم.

۸. نشانه های ویراستاری
این نشانه ها فرصتی اند برای حذف مطالب، و الا فقط غلط های چاپی را مشخص می کنند.

۹. نسخه تمام شده را یکبار می خوانید؟
حتازمان نوشتن هم. تا حد مرگ از آن کار خسته شده ام و بعد هم به خاطر اصلاحات و جرح و تعدیل دو سه بار کار را می خوانم. بعد دیگر حالم به هم می خورد، کجا حال و حوصله خواندن نسخه تمام شده را دارم، مسئله تمام شده است، دیگران باید ببینند که با آن چه کاری کنند. مدت ها بعد که نگاهی به آن کتاب می اندازم، دچار نوعی شرم حضور و 'Possible que j'ai eatait d'esprit' می شوم. ولی امید و آرزوی کار بهتر فقط مربوط به کارهای آینده و جدید است، نه آنچه که دیگر گذشته است. ◆◆◆



4

دو کلمه ای که در
تاریخ باستان شناسی

ELWAL AKHIL

CHHANDLUNG